

بحث در مورد تهمت و بهتان و نسبت ناروا دادن به دیگران بود. ما در مورد حقیقت بهتان و عظمت و بزرگی این گناه سخن گفتیم. یک آثاری برای این گناه ذکر شده، هم در دنیا و هم در آخرت؛ هم مادی و هم معنوی، هم فردی و هم اجتماعی، که توجه به اینها بسیار مهم است.

آثار تهمت

اینکه هم در دنیا و هم در آخرت برای تهمت عذاب الیم در قرآن ذکر شده، «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱ همان چند آیه‌ای که در جلسات گذشته خواندیم، این در ضمن آن آیات بود و به همین مسأله مرتبط بود؛ می‌فرماید کسانی که دوست دارند در بین مؤمنان فحشا شیوع پیدا کند، وقتی نسبت ناروا می‌دهند به افراد، یعنی این را دارند شایع می‌کنند؛ نسبت ناروا دادن یعنی یک امر زشتی را و کار ناپسندی را به دیگری نسبت می‌دهند و برای دیگران نقل می‌کنند. نقل نسبت ناروا به دیگران، نقل یک امر غیرواقعی در مورد دیگران، این از مصادیق اشاعه فحشا است و اینها در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهند داشت. پس این یک سیاست کلی است در مورد تهمت‌زندگان که خداوند آنها را به عذاب الیم در دنیا و آخرت گرفتار می‌کند.

۱. آثار معنوی دنیوی

۱-۱. فردی

اما در دنیا به خصوص یک سری آثاری برای تهمت ذکر شده است.

گاهی این اثر، اثر فردی است؛ چون فرصت کم است دیگر متن روایات را نمی‌خوانم و فقط آدرس‌ها را ذکر می‌کنم. مثلاً در مورد کسی که به دیگری تهمت می‌زند و نسبت ناروا می‌دهد، این روایت از امام صادق (ع) وارد شده که مضمونش این است که اگر یک مؤمنی به برادر دینی خودش تهمت بزند، ایمان در دل او از بین می‌رود همانطور که نمک در آب حل می‌شود.^۲ می‌بیند که چگونه نمک در آب به سرعت حل می‌شود. شما نمک را در آب بریزید و هم بزنید، سریع حل می‌شود. سرعت ذوب ایمان فرد تهمت‌زننده، همانند سرعت حل شدن نمک در آب است؛ ایمان را از بین می‌برد. یعنی کسی که به دیگری نسبت ناروا می‌دهد، یعنی آنچه را که در او نیست به او نسبت می‌دهد، خدای نکرده نسبت دزدی، قتل، زنا، فحشا، خیانت، خیلی از این چیزهایی که متأسفانه الان شایع است؛ بی‌مهابا این نسبت‌ها داده می‌شود و جای تأسف بیشتر این است که گاهی از ناحیه امثال ما به راحتی صورت می‌گیرد. این خیلی عجیب است که آدم اینطور به دیگران نسبت ناروا بدهد؛ این ایمان را ذوب می‌کند و از بین می‌برد. این اثر فردی و درونی است.

۱-۲. اثر اجتماعی

اما دو اثر اجتماعی خیلی مهم در دنیا دارد.

۱-۲-۱. حرمت شکنی

یکی اینکه حرمت‌ها شکسته می‌شود؛ تهمت و بهتان باعث حرمت‌شکنی می‌شود. روایت از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که می‌فرماید «مَنْ اتَّهَمَ أَخَاهُ فِي دِينِهِ، فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا»^۳، کسی که به برادر دینی خودش تهمت بزند، حرمتی بین آنها باقی نمی‌ماند.

۱. سوره نور، آیه ۱۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۱.

اینکه حرمت باقی نمی ماند یعنی چه؟ حرمت شکنی یعنی پیوندها و حلقه های اتصال و احترام از بین می رود؛ وقتی حرمت ها در یک جامعه شکسته شود، اگر فرضاً این بین دو نفر باشد، طبیعتاً حرمت بین این دو نفر و احترام شکسته می شود؛ حرمت شکنی زمینه و آغاز بسیاری از مسائل و مشکلات بعدی است. وقتی حرمت ها شکسته شود، این خودش زمینه را برای بسیاری از کارهای ناپسند بعدی فراهم می کند؛ می تواند جنبه عرضی داشته باشد، جنبه جانی و مالی داشته باشد. از امام صادق (ع) هم همین سخن نقل شده است؛ البته ممکن است نقل از پیامبر (ص) باشد؛ می فرماید: «مَنْ أَتَاهُمْ أَخَاهُ فِي دِينِهِ، فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا»^۳. پس یک اثر مهم اجتماعی در دنیا، همین حرمت شکنی است.

۱-۲-۲. ناامنی

یک اثر مهم دیگر، ناامنی است. حضرت موسی بن عمران می فرماید: شیطان به صورت انسان بر من ظاهر شد و نزد من آمد و گفت ای موسی، اگر بخواهم جامعه ای را ناامن کنم، در آن جامعه تهمت را زیاد می کنم. البته یک ذیلی هم دارد که این هم جالب است؛ برای اینکه بخواهم تهمت را در جامعه زیاد کنم، آنها را مبتلا به غیبت می کنم. یعنی غیبت در حقیقت بسترساز تهمت است و تهمت زمینه ناامنی در جامعه را فراهم می کند. همین غیبتی که دو نفر می نشینند اول درباره آن چیزهایی که وجود دارد نزد یکدیگر حرف می زنند؛ اینکه کسی چیزی را بگوید درباره دیگری که در او هست؛ این نتیجه اش چه می شود؟ وقتی در او چنین چیزی وجود دارد، وقتی درباره آن حرف می زند، کم کم کار به اینجا می کشد که چیزهایی را که نیست هم گفتنش آسان می شود. وقتی این رواج پیدا کند در جامعه، این موجب ناامنی می شود و هیچ کس احساس امنیت ندارد. خود آن حرمت شکنی ها هم باعث ناامنی می شود. ناامنی فقط به این نیست که اموال مردم سرقت شود. تهمت زننده سارق عرض و آبروی افراد است. بلکه این اشد و اسوء حالاً است از سرقت اموال. سرقت اموال قابل جبران هست؛ فو قش این است که مالی از دست رفته و بالاخره حتی اگر کسی فقیر هم باشد، بعد از مدت ها ممکن است بتواند آن را جبران کند. اما سرقت عرض و آبرو، ناامنی بدتری را در جامعه ایجاد می کند. جامعه ای که اعتبار نداشته باشد، آبروی افراد در آن مهم نباشد، عرض اشخاص به راحتی مورد هتک قرار گیرد، این جامعه، جامعه شیطانی است، جامعه ایمانی و توحیدی و دینی محسوب نمی شود؛ حالا ما هزار هم آن را بزک کنیم و اسم آن را جامعه دینی بگذاریم. جامعه ای که در آن هتک حرمت افراد، هتک حرمت شخصیت ها، هتک حرمت ها بزرگان شود، این جامعه، جامعه شیطانی محسوب می شود؛ چون این بیان شیطان است که می گوید من اگر بخواهم جامعه ای را ناامن کنم، در آن جامعه تهمت را زیاد می کنم. این هم اثر دوم اجتماعی برای تهمت؛ این گناه بزرگی است.

۲. آثار مادی دنیوی

علاوه بر آثار معنوی فردی و اجتماعی دنیوی، برخی از آثار ممکن است مادی باشد، یعنی تهمت یعنی به عنوان یکی از گناهان کبیره، برکات را از اهل آن سرزمینی که در آن تهمت فراوان شود، سلب می کند. آیه «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ» که اگر اهل قریه ها و شهرها تقوای الهی پیشه کنند ما بر آنها برکات آسمانی و زمینی را فراوان می کنیم و گشایش در کار آنها ایجاد می کنیم، در مقابلش اگر ظلم و گناه در جامعه ای زیاد شود، خداوند برکات و نعمت هایش را از آن جامعه سلب می کند. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، معیشت ضنک و سخت، یعنی در تنگنا قرار گرفتن اعم است، هم مادی است و هم معنوی. قهراً تهمت، بهتان، بدون تردید از مصادیق اعراض از خداوند است. کسی که تهمت می زند حداقل در این جهت دارد از خداوند

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۶۱.

رویگردانی می‌کند؛ برخلاف دستورات خداوند عمل می‌کند. به همین اندازه سختی و تنگنا در معیشت و زندگی او پیش می‌آید. این حتی می‌تواند لازمه قهری آن آثار اجتماعی تهمت هم باشد؛ جامعه‌ای که حرمت‌شکنی و ناامنی در آن باشد، این جامعه از نظر مادی هم ضعیف خواهد شد. بله، ممکن است عده‌ای از همین طرق برای خودشان ثروت و مکنتی جمع کنند، اما عموم این جامعه مبتلا به فقر و گرفتاری و مشقت خواهد بود. لذا حتماً تهمت مستلزم ضعف مادی جامعه آکنده از تهمت و آلوده به تهمت خواهد شد. موجب این گرفتاری هم می‌شود.

اینها آثار دنیوی است؛ ملاحظه فرمودید که آثار دنیوی هم مادی است و هم معنوی؛ هم فردی است و هم اجتماعی.

۳. آثار اخروی

در آخرت هم آثار تهمت عجیب است؛ اینکه در قرآن به کرات راجع به نسبت ناروا دادن، یا به صورت کلی یا به صورت خاص، نسبت ناروا دادن به زنان پاکدامن، مفصل موارد متعددی بیان کرده که اینها فرجام بدی دارند، اینها ظلم مرتکب می‌شوند، اینها عذاب الیم دارند. من فقط به یک روایت در این رابطه اشاره می‌کنم؛ روایت از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که می‌فرماید: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ»^۴، می‌فرماید اگر کسی مرد مؤمن یا زن مؤمنی را به کاری که انجام نداده متهم کند، یا یک چیزی را که در او نیست به او نسبت دهد، خداوند در قیامت او را بر تلی از آتش قرار می‌دهد تا از آنچه که گفته خارج شود؛ یعنی تا آن را اثبات کند. یعنی او را بر روی تلی از آتش نگه می‌دارد، می‌گوید تو این حرف را زدی و چیزی را نسبت دادی که در این آقا یا خانم نبود، حالا حرفت را اثبات کن. اینکه نسبت ناروا به او دادی ... بر روی تلی از آتش ایستادن سخن از یک لحظه‌اش است؛ یک لحظه‌اش انسان نمی‌تواند بر تلی از آتش مقاومت کند؛ حالا او را نگه می‌دارند. این چیزی است که ما باید توجه کنیم؛ این حرف را زدی و این نسبت را دادی، حالا اثبات کن. آنهایی که واقعاً اولیاء الهی بودند، مردان حق بودند، حالا غیر از آن سعه صدر و ظرفیت و بزرگواری که داشتند، تحملی که داشتند، اینهاست که آنها را امیدوار کرده و مطمئن بودند که روزی در مورد آنها احقاق حق خواهد شد. این آقا هم همین طوری نسبت داده، نمی‌توانی اثبات کنی، حالا بایست تا اثبات کنی؛ این پایانش چه زمانی است؟ خدا می‌داند؛ نمی‌تواند اثبات کند، همین طوری نسبت داده، یعنی باید همین طور بر تلی از آتش بایستد. آنجاست که استیصال پیدا می‌کند و حسرت می‌خورد و می‌گوید ای کاش برای هوس‌های زودگذر لحظه‌ای و آنی من این سخن را و این مطلب را نگفته بودم و این نسبت را نمی‌دادم. این اثر اخروی تهمت است. خداوند ما را از شر مکائد شیطان، از شر نفس اماره خلاص کند و به ما توفیق بدهد که بتوانیم بر اساس میزان شرع و اخلاق زندگی کنیم و عمل کنیم و ان شاء الله لغزش‌هایی که داریم، خداوند ما را مورد لطف و رحمت و مغفرت خودش قرار دهد.

«والحمد لله رب العالمین»

۴. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹۴، ح ۵.